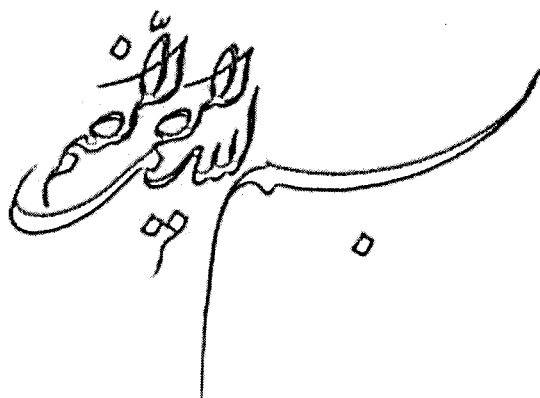




مکران

مولف: یاسین قاسمی بجد

بلوچ‌های ایران از نگاهی دیگر
با تأکید بر ساخت‌های مذهبی، تاریخی،
اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ عامه



مگراف

بلوچ‌های ایران از نگاهی دیگر

با تأکید بر ساخت‌های مذهبی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ عامه

مؤلف: یاسین قاسمی بجد



قاسمی بجد، یاسین، ۱۳۶۷
مکران: بلوچ‌های ایران از نگاهی دیگر با تاکید بر ساخت‌های مذهبی،
تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ عامه/ مؤلف یاسین قاسمی بجد؛
ویراستار متین قاسمی بجد.

تهران، انتشارات پل، ۱۴۰۲

۲۳۵ ص.

978-964-233-470-4

فیبا

کتابنامه: ص. [۲۲۳] - ۲۳۴.

بلوچ‌های ایران از نگاهی دیگر با تاکید بر ساخت‌های مذهبی، تاریخی،
اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ عامه بلوچ -- ایران
Baluchi (Southwest Asian people) -- Iran
بلوچ -- ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
Baluchi (Southwest Asian people) -- Social life and
customs -- Iran
فرهنگ عامه -- ایران -- بلوچستان
Folklore -- Iran -- Baluchistan
قاسمی بجد، یاسین، ۱۳۶۷ - مترجم

۷۲DSR

۶۴۸۹۵۵/۹۷۷

۹۰۴۰۳۴۶

سرشناسنامه،

عنوان و نام پدیدآور،

مشخصات نشر،

مشخصات ظاهری،

شابک،

وضعیت فهرست نویسی،

یادداشت،

عنوان دیگر،

موضوع،

موضوع

رده بندی کنگره،

رده بندی دیویی،

شماره کتابشناسی ملی،

مکران / بلوچ‌های ایران از نگاهی دیگر

نویسنده: یاسین قاسمی بجد

شابک: ۴-۴۷۰-۲۳۳-۹۶۴-۹۷۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲

قیمت: ۱۸۰،۰۰۰ تومان

«کلیه حقوق مادی و معنوی اثر برای مؤلف محفوظ می‌باشد»

آدرس: تهران - انقلاب - خیابان لیافی نژاد - بین خیابان فخررازی و

خیابان دانشگاه - پلاک ۱۷۴ - طبقه ۲ - واحد ۴ - تلفن: ۶۶۴۶۹۶۰۸

instagram: poul_publication



فهرست

پیشگفتار.....	۹
گفتار اول: درآمدی بر بلوچستان و ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن.....	۱۱
جغرافیای طبیعی.....	۱۱
جغرافیای تاریخی.....	۲۷
جغرافیای سیاسی.....	۳۴
جغرافیای اقتصادی.....	۴۲
اکوتوریسم در منطقه‌ی بلوچستان ایران.....	۵۰
گفتار دوم: درآمدی بر بلوچ‌های ایران و ویژگی‌های مذهبی، تاریخی و فرهنگی آنها.....	۶۱
مناطق بلوچ‌نشین.....	۶۱
تبارشناسی و منشأ قوم بلوچ.....	۶۳
دین و مذهب قوم بلوچ.....	۶۷
ویژگی‌های فرهنگی و اخلاقی قوم بلوچ.....	۷۰
زبان و ادبیات بلوچی.....	۷۳
مفاخر بلوچ.....	۷۶
ج. شخصیت‌های فرهنگی.....	۸۳
گفتار سوم: داستان‌های عامیانه، افسانه‌ها و اسطوره‌ها.....	۸۷
موجودات افسانه‌ای، اسطوره‌ای و وهمی در نظر اهالی بلوچستان.....	۹۷
حماسه‌های بلوچی و انواع آنها.....	۱۰۰
معرفی اجمالی حماسه‌های بلوچ.....	۱۰۱
گفتار چهارم: اعتقادات و باورهای عامیانه.....	۱۰۷
باورها و عقاید خرافی به افسون، جادو و طلسم.....	۱۱۰
چشم‌زخم.....	۱۱۲
اعتقاد به قداست آب.....	۱۱۴
برخی دیگر از باورهای مردم بلوچ.....	۱۱۶
گفتار پنجم: لالایی، اشعار و ترانه‌های عامیانه و موسیقی بلوچی.....	۱۱۹
اشعار و ترانه‌های عامیانه.....	۱۲۰

۱۳۲.....	لالایی‌ها.....
۱۳۶.....	موسیقی بلوچی.....
۱۳۹.....	سازهای رایج در قوم بلوچ.....
۱۴۱.....	آیین موسیقی-درمانی بلوچستان (گوات).....
۱۴۵.....	گفتار ششم: ضرب‌المثل‌ها و زبان‌زدها.....
۱۵۳.....	نفرین‌ها و دعاهاى معروف.....
۱۵۹.....	برخی زبان‌زدهای رایج دیگر.....
۱۶۱.....	گفتار هفتم: چیستان‌ها و بازی‌های رایج.....
۱۶۴.....	بازی‌های محلی.....
۱۶۷.....	گفتار هشتم: پوشاک و البسه‌ی محلی قوم بلوچ.....
۱۷۳.....	گفتار نهم: صنایع دستی قوم بلوچ.....
۱۷۹.....	گفتار دهم: معماری نواحی بلوچ‌نشین.....
۱۹۷.....	گفتار یازدهم: در باب محرومیت‌ها و مسائل اجتماعی و امنیتی بلوچستان.....
۲۰۱.....	تجربه‌های مردم بلوچستان از تعامل با حکومت‌های پیشین.....
۲۰۵.....	مالیات مضاعف و تأثیر آن در روی‌گردانی مردم بلوچستان.....
۲۰۶.....	طرح‌های رضاخان‌ی و تأثیر آن در مقاومت اجتماعی مردم بلوچستان.....
۲۱۳.....	رویکرد و رفتار کارکنان دولتی و نظامی و تأثیر آن در مقاومت اجتماعی مردم بلوچستان.....
۲۱۶.....	رویکردهای نادرست دوران پس از انقلاب اسلامی نسبت به قوم بلوچ.....
۲۲۵.....	منابع و مأخذ.....
۲۲۵.....	کتاب‌ها.....
۲۳۲.....	مقالات.....
۲۳۶.....	راویان.....



تصویر ۱. نقشه‌ی جغرافیایی قدیم بلوچستان

پیشگفتار

بر پهنه‌ی گسترده‌ی گیتی در محل تلاقی خاورمیانه با سرزمین عجایب (هندوستان)، قومی به سر می‌برد که کمتر کسی در دنیا وجود دارد که آن‌ها را نشناسد. قوم بلوچ، ریشه در تاریخ ایران‌زمین دارد. آن‌ها مسلمان‌اند و سنی‌مذهب و پیشینه و فرهنگی کاملاً مختص به خود را دارند. با توجه به تحولات نوین فرهنگی در جامعه‌ی امروز، نیاز ایرانیان - به‌ویژه جوانان تیزبین و پرسش‌گر - به بررسی‌های جدید علمی و پربار درباره‌ی تاریخ پرفراز و نشیب قومیت‌های ساکن در ایران‌زمین و دیانت و فرهنگ و تمدن آن‌ها، بیش از گذشته نمود یافته است. از این رو، ما با شناخت این امر و در جهت گسترش دیدگاه‌های همه‌جانبه و عمیق فرهنگی، تلاش جدیدی را آغاز نموده و بر آن شدیم تا با تألیف این نوشتار، آگاهی‌های مهم، دقیق و سودمندی در مورد چشم‌اندازی از قومیت‌های ایرانی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است را در دسترس تمامی ایران‌دوستان و جوانان علاقه‌مند کشورمان قرار دهیم. این نوشتار، در پی آن است که با تأکید بر ساخت‌های مذهبی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ عامه، قوم بلوچ و بلوچ‌های ساکن در ایران را مورد مطالعه قرار داده و با روش استنادی و کتابخانه‌ای و با تکیه بر متون و مقالات ایرانی و خارجی، به بررسی این مهم می‌پردازد. کتاب حاضر، شامل مجموعه گفتارهایی است در باب جغرافیای طبیعی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی سرزمین

بلوچستان، منشأ و تبارشناسی قوم بلوچ و بررسی ویژگی‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی مردمان آن دیار که براساس منابع دست اول نوشتاری و همچنین پژوهش‌های جدید تدوین شده است. در پایان سخن، آنچه که یادآوری‌اش ضروری به نظر می‌رسد، این است که با بهره‌برداری از کتب، مقالات، اسناد و منابع مختلف سعی شده است تا کتابی بی‌نقص فراهم آید. در این نوشتار، سعی شده است که عنان اعتدال و انصاف علمی، از دست قلم نگارنده ربوده نشده و این اثر، تحت تأثیر حب و بغض قومی و نژادی و یا وقایع تاریخی و رقابت‌های فکری و فلسفی قرار نگیرد. بی‌شک این نوشتار مبتنی بر تحقیق و تدقیق علمی است و برای مطالعه‌ی محققان و پژوهشگران سودمند می‌باشد؛ اما کافی و جامع نبوده و نمی‌تواند پاسخگوی همه‌ی پرسش‌ها و چراغ راهی برای همه‌ی مباحث تحقیقاتی باشد. پس طبعاً هرگونه لغزشی یا ناروایی در مطالب پیش آمده باشد، گناه از نگارنده و تدوین‌کننده می‌باشد؛ لاقلاً به علت عدم دسترسی به اسناد و مدارک بیشتر. امید است با کوشش زیادی که به منظور تدوین این نوشتار به عمل آمده، سهم کوچکی از دین خود را به جامعه‌ی علمی و دانشگاهی ادا کرده باشم و این نوشتار، برای علاقه‌مندان این حوزه و همچنین دانشجویان رشته‌های ادبیات، تاریخ و ایران‌شناسی، سودمند باشد و به عنوان یک منبع راهنما، مورد استفاده‌ی تمامی پژوهشگران و صاحب‌نظران قرار گیرد.

یاسین قاسمی بجد - پاییز ۱۴۰۱

گفتار اول: درآمدی بر بلوچستان و ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن

جغرافیای طبیعی

«بلوچستان»، نام منطقه‌ای کوهستانی واقع در جنوب شرقی ایران است که در شمال آن، کویر لوت و در قسمت جنوبی آن، دریای عمان قرار دارد (کاظمی، ۱۳۸۰، ۲۱۷)؛ این منطقه، در اواخر دوران سوم زمین‌شناسی و در اثر جنبش‌های کوه‌زایی، از دریا جدا شده و در آن، ابتدا رسوبات آهکی از نوع دریایی و سپس رسوباتی با مواد نسبتاً درشت و نرم، بر روی یکدیگر انباشته شده‌اند. این منطقه، از کنار کویر کرمان در شرق بم و کوه‌های بشاگرد تا مرزهای غربی سند و پنجاب را در بر می‌گیرد. هرچند مرزهای آن را دقیقاً نمی‌توان مشخص نمود؛ اما مساحت آن، عموماً چیزی در حدود ۶۹۰,۰۰۰ کیلومترمربع تخمین زده می‌شود. مرزهای جغرافیایی، بلوچستان را به سه بخش «بلوچستان پاکستان»، «بلوچستان افغانستان» و «بلوچستان ایران» تقسیم می‌نماید؛ ما در این نوشتار، تنها به بررسی و واکاوی آن بخش از سرزمین بلوچستان که در ایران واقع شده و بلوچ‌های ساکن در این ناحیه می‌پردازیم. «بلوچستان ایران»، منطقه‌ای از کشور است که با مساحتی حدود ۱۷۵,۰۰۰ کیلومترمربع، در جنوب شرقی ایران واقع شده و پیوند فضایی و

جغرافیایی با ایالت بلوچستان در جمهوری فدرال پاکستان و ناحیه‌ی بلوچ‌نشین افغانستان دارد (عزیزی و آذرکمند، ۱۳۹۰، ۱۰۳). «هنری فیلد»، بلوچستان ایران را به چهار بخش تقسیم می‌نماید: مکران ایران، ناحیه‌ی سرحد، دشت بنپور (بمپور) و دیزک (فیلد، ۱۳۴۳، ۲۸۱).

«مکران»، عنوانی می‌باشد که در طول تاریخ به مناطقی از بلوچستان که در امتداد ساحل بلوچستان به طول ۶۰۰ مایل (حدود ۱،۰۰۰ کیلومتر) از جاسک در ایران تا نزدیکی بندر کراچی در پاکستان گسترده است، اطلاق می‌شد. «ناحیه‌ی سرحد»، فلات خشک و مرتفعی در سرزمین بلوچستان است که به‌وسیله‌ی تشکیلات رسوبی، برون‌زدهای^۱ آتشفشانی و دره‌هایی با ابعاد مختلف، بریده شده است. همچنین «دشت بمپور»، در حدفاصل میان ناحیه‌ی سرحد و رودبار کرمان (رودبار جنوب) قرار گرفته و «دیزک» نیز در سراوان امروزی جای گرفته است. از این بین، ناحیه‌ی سرحد از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار می‌باشد؛ از مشخصات عمده‌ی این ناحیه‌ی کوهستانی، می‌توان به دره‌های عمیق اشاره نمود که کوه تفتان در مرکز آن واقع شده است. بزرگترین این دره‌ها، دره‌ی خاش نام دارد. ظاهر این ناحیه، بیابانی بی‌آب و علف با دشت‌های بدون سبزی و درخت می‌باشد و تنها، آب جاری از کوه تفتان، بعضی از نقاط آن را آباد نموده است (فیلد، ۱۳۴۳، ۲۸۷ و ۲۸۸). با وجود آنکه اطراف منطقه‌ی بلوچستان ایران را کوهستان‌های بسیار مرتفع فراگرفته است؛ لیکن منطقه‌ی مرکزی آن که «جازموریان» نامیده می‌شود، از پست‌ترین نقاط ایران به شمار می‌آید (کاظمی، ۱۳۸۰، ۲۱۷).

منطقه‌ی بلوچستان ایران، دارای اقلیم‌های گوناگونی می‌باشد و از مهم‌ترین عوامل تنوع اقلیمی آن، می‌توان به زاویه‌ی تابش (عرض جغرافیایی)، فاصله از

^۱ برون‌زد یا رُخمنون، بخشی از سنگ بستر است که بر روی سطح زمین، آشکار شده است؛ هرچند که در اکثر اوقات، به‌وسیله‌ی خاک حاصل از فرسایش و یا پوشش گیاهی، پوشیده شده است.

دریا، استقرار جریانات فصلی پرفشار جنب حاره، قرار گرفتن بیابان‌های بزرگ در این منطقه، تنوع توپوگرافی و اختلاف ارتفاع از ۸ تا ۱۳۹۴ متر، تأثیر سامانه‌های آب‌وهوایی همراه با بادهای غربی و کاهش رطوبت آنها از غرب به شرق و تأثیر سامانه‌ی موسمی هند اشاره نمود (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۸). همچنین این منطقه، دارای تنوع آب‌وهوایی است و این امر سبب شده تا پوشش گیاهی متنوعی نیز در این ناحیه به وجود آید. در ناحیه‌ی سرحد، شرایط جنگلی پدید آمده و درختانی از جمله بنه، بادام کوهی، خنجک، بید، قبیج، گز، انجیر و انگور وحشی وجود دارند. در ناحیه‌ی ساحلی، انواع نباتات و درختان گرمسیری و نیمه‌گرمسیری به عمل می‌آید و در قسمت‌هایی نیز مراتع وسیع وجود دارند که مورد استفاده‌ی دامداران قرار می‌گیرد (کاظمی، ۱۳۸۰، ۲۱۷). این تنوع زیاد اقلیمی و آب‌وهوایی، به دلیل مجاورت با دریاهای وسیع جنوبی، گستره‌ی وسیع بیابانی و نفوذ توده‌ی هوای موسمی در دوره‌ای از سال، باعث ایجاد تنوع اکولوژیک و اشکال مختلف معیشتی شده است (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۸). هرچند که در گذشته، آب‌وهوای برخی از نقاط این سرزمین، بسیار مساعد و معتدل بوده است؛ اما بیشتر منابع تاریخی و جغرافیایی، اکثر نواحی سرزمین قلمرویی بلوچستان ایران را به صورت سرزمینی خشک و بایر توصیف کرده‌اند که نه تنها ثروت چندانی برای جلب توجه شاهان نداشت، بلکه راه‌هایی که به این ایالت منتهی می‌شد، بسیار خطرناک و غیرقابل کنترل بود و بسیاری از مورخان و سیاحان اعصار گذشته، صحراهای آنجا را از لحاظ طبیعی، دنباله‌ی کویر دانسته‌اند (غفرانی و شجاع قلعه‌دختر، ۱۳۹۲، ۱۳۸). همچنین، مورخانی که داستان عبور «اسکندر مقدونی» از این منطقه را نقل نموده‌اند، آنجا را به صورت بیابانی خشک و غیرقابل تحمل به تصویر کشیده‌اند (اشرفی‌پویا، ۱۴۰۰، ۱۹۵). «آریان» مورخ یونانی، شرحی از این سرزمین و خشکی آنجا و روش به دست آوردن آب از طریق حفر چاه در مسیر سیلاب‌های ناشی از باران‌های تند و رگبار را ارائه داده

و در عین حال، معترف شده است که: «بخش‌های سبز و حاصلخیزی، به طور پراکنده در برخی نقاط وجود دارند» (غفرانی و شجاع قلعه‌دختر، ۱۳۹۲، ۱۳۸). مورخان و سیاحان عهد باستان، از جمله «آریان» مورخ یونانی، به گیاهان دارویی و معطر و بوته‌های خاردار بزرگ در آنجا و تلف‌شدن قسمت بزرگی از افراد و حیوانات اردوی اسکندر، سخن گفته‌اند (دولینکورت و همیلتون، ۱۳۸۹، ۲۶۰ الی ۲۶۳). صرف‌نظر از منابع یونانی و یا کتاب‌هایی که سفر اسکندر را شرح داده‌اند، نخستین اطلاعاتی که از اوضاع طبیعی این ناحیه در منابع دوره‌ی اسلامی موجود است، گزارش‌های فاتحان و کارگزارانی می‌باشد که از طرف مرکز خلافت اسلامی در مدینه یا شام، به این منطقه اعزام می‌شدند. نخستین گزارش را «طبری» آورده که این منطقه را از زبان «صحرار عبدی»^۱ برای خلیفه‌ی دوم «عمر بن خطاب»، توصیف نموده است: «صحرار در پاسخ به پرسش خلیفه درباره‌ی آنجا گفت: سرزمینی است که دشت آن، کوه و آب آن، ناگوار و میوه‌ی آن، خرمای بد است... راهزن آنجا، پهلوان است... خیرش اندک و شرش بسیار است... اگر سپاه اندک به آنجا رود، نابود می‌شود و اگر بسیار باشند، گرسنه خواهند ماند...»^۲ (حموی، ۱۳۸۰، ۱۸۰). همچنین «یاقوت حموی»، پنج بیت از اشعار «اعشی همدان»^۳ در وصف مکران و آب‌وهوای آن را نقل نموده است که بیان آن‌ها، بی‌مناسبت نمی‌باشد:

و انت تسیر الی مکران فقد شحط الورد و المصدر

^۱ فرستاده‌ای از طرف حکم‌بن عمرو تغلبی فاتح مکران به سوی خلیفه عمر رفت تا از کیفیت فتح و میزان غنائم خبر دهد و درباره‌ی ادامه‌ی فتوحات از خلیفه، کسب تکلیف نماید (طبری، ۱۳۷۵، ۲۵۷).

^۲ «سهلها جبل... ماءها وشل... ثمرها دقل... عدوها بطل... خیرها قلیل و شرها طویل... إن قلیل بها ضاعوا و کثیر جاعوا...» (همان).

^۳ «ابومصباح عبدالرحمن بن عبدالله»، شاعر عصر اموی، در زمان «حجاج» همراه سپاهی از کوفیان، اجباراً به مکران رفت. وی رنج‌های خود در مکران را در قصیده‌ای بلند بیان کرده که ۵۸ بیت از آن موجود است.

ولم تک من حاجتی مکران و لا الغزو فیها ولا المتجر
و حدثت عنها و لم آتها فمازلت من ذکرها اخبر
بأن الكثير بها جائع و أن القلیل بها معور
و أن لحي الناس من حرها تطول فتجلم او تضفر

تو سوی مکران می‌روی که در آنجا، دسترسی به آب، بسیار دور و سخت است... * هرگز مرا به مکران نیازی نبوده است؛ زیرا آنجا، نه جای خوبی برای جنگیدن و نه مکان مناسبی برای تجارت بوده است... * با اینکه از وضع بد و سخت آنجا، آگاه شده بودم، نمی‌دانم که چرا بدان جا رفتم که از یاد آن پیوسته بمانم... * شنیده‌ام که در آنجا، لشکریان انبوه گرسنه می‌مانند و لشکریان اندک، در رنج و زحمت محاصره می‌افتند و کاری از پیش نمی‌برند... * ریش مردم، از شدت گرما چنان بلند و دراز می‌شود که از روی ناچاری، یا آن را می‌کنند و یا می‌بافند... (حموی، ۱۳۸۰، ۱۷۹).

البته توصیفات فوق، نمایانگر تصویری خشن و اغراق گونه از نواحی بیابانی مکران و صحراهای خشک داخلی بود. این امر، باعث وحشت کارگزاران و عاملانی می‌شد که برای اداره‌ی آنجا انتخاب می‌شدند. به عبارت دیگر، توصیف دقیق و همه‌جانبه‌ی شرایط آب‌وهوایی این ناحیه نشان می‌دهد که این سرزمین گسترده، تقریباً همه نوع منظره‌ی آب‌وهوایی را در خود داشته است. به جز صحراها و بیابان‌های خشک و بی‌آب و علف، رودخانه‌ها، کوه‌های بلند و در برخی نواحی، کشتزار نیز دیده می‌شد. در حقیقت، با فاصله گرفتن از نواحی داخلی و بیابان‌ها و نزدیک شدن به سواحل و ارتفاعات، قطعاً شرایط آب‌وهوایی نیز تغییرات چشمگیری می‌یافت. از این رو، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در نواحی ساحلی مکران، شرایط آب‌وهوایی گرم و مرطوب و در ارتفاعات، هوایی خنک‌تر و ملایم‌تر وجود داشت (غفرانی و شجاع قلعه‌دختر، ۱۳۹۲، ۱۴۰). به عنوان مثال، «ابوالقاسم بن احمد جیهانی» در کتاب «اشکال العالم»، در توصیف شهر مشکی از شهرهای ناحیه‌ی مکران، چنین آورده است: «با اینکه گرمسیر

می‌باشد؛ اما انواع میوه‌های سردسیری نیز در آن کشت می‌شود» (جیهانی، ۱۳۶۸، ۱۳۶). همچنین، شهرهای نزدیک مرزهای هند، به سبب بهره‌برداری از آب رودخانه‌های بسیار، پرنعمت و حاصلخیز بودند. گاهی در نوشته‌های مورخان و منابع مختلف، گزارش‌هایی مبنی بر آبادانی و فراوانی نعمت در این ناحیه در قرون گذشته نیز دیده می‌شود. از نظر این دسته از تاریخ‌نگاران، ده منطقه‌ی پرنعمت در زمین وجود داشته که مکران پس از ارمنستان و آذربایجان، سومین منطقه‌ی پرنعمت بوده و حتی کرمان، پس از مکران قرار داشته است. «لسترنج» معتقد است که بلاد مکران در قرون وسطی، سرزمینی بسیار حاصلخیز و پرجمعیت بوده است (لسترنج، ۱۳۶۷، ۳۵۲). این تنوع آب‌وهوایی، باعث شده است که این ناحیه در دوران گذشته، به «هندوستان کوچک» مشهور گردد.

با این حال، امروزه بلوچستان، یکی از گرم‌ترین مناطق کشور می‌باشد و میانگین سالیانه‌ی دما در این ناحیه، ۲۳،۴ درجه‌ی سانتی‌گراد است؛ اما تمامی نقاط این ناحیه، دمای یکسانی ندارند. به عنوان نمونه، «زاهدان» به عنوان سردترین شهر و «نیک‌شهر» به عنوان گرم‌ترین شهر بلوچستان محسوب می‌شود (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹). به علت نزدیک‌بودن این سرزمین به کویر لوت، این منطقه دارای آب‌وهوای بسیار گرم و خشک با زمستانی معتدل می‌باشد؛ در فصل تابستان، روزها گرم و شب‌ها خنک بوده و در فصل زمستان، روزها آفتابی و شب‌ها یخبندان است. تغییرات درجه‌ی حرارت در شبانه‌روز و همچنین دامنه‌ی نوسان حرارتی سالیانه، زیاد بوده و رطوبت نسبی هوا، کم و بارندگی سالیانه نیز خیلی کمتر از متوسط بارندگی در سطح کشور می‌باشد. این منطقه، از نظر میزان بارش، از خشک‌ترین نواحی کشور به شمار می‌آید؛ توده‌های هوای باران‌زا، زمانی به این منطقه می‌رسند که تقریباً تمامی رطوبت خود را از دست داده‌اند و معمولاً ریزش‌های اندکی در سطح این ناحیه دارند و به همین دلیل، میانگین بارش در بلوچستان، بسیار پایین است. در طی سالیان اخیر، بیشترین بارش‌ها در محدوده‌ی نیک‌شهر و خاش و کمترین بارش در

شهر زاهدان به ثبت رسیده است (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹). با این حال، میانگین رطوبت نسبی در یک دوره‌ی ۱۵ ساله‌ی آماری، نشان می‌دهد که زاهدان، خاش، سراوان و ایرانشهر، با میانگین ۳۱ درصد و چابهار با میانگین ۷۶ درصد، از کمترین و بیشترین درصد میانگین رطوبت نسبی برخوردارند. همچنین میانگین بارندگی سالیانه در یک دوره‌ی ۱۵ ساله‌ی آماری، نشان می‌دهد که شهرهای زاهدان با ۷۷،۱ میلی‌متر، سراوان با ۱۱۴،۴ میلی‌متر، ایرانشهر با ۱۱۴،۵ میلی‌متر، چابهار با ۱۲۲،۳ میلی‌متر و خاش با ۱۶۱،۶ میلی‌متر، به ترتیب دارای کمترین و بیشترین میانگین بارندگی سالانه بوده‌اند.

به طور کلی، توده‌های هوایی مؤثر بر این ناحیه را می‌توان در قالب توده‌ی هوای «بری قطبی»، «قطبی بحری»، «حاره‌ای بری»، «حاره‌ای بحری» و «استوایی»، طبقه‌بندی نمود که از طریق سامانه‌های زیر به بلوچستان می‌رسند:

- **بادهای غربی:** بادهای غربی از اوایل فصل پاییز آغاز و تا اوایل زمستان، کل کشور و از جمله بلوچستان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این بادهای همراه چرخند و واپرخندها، از مهم‌ترین عوامل آب‌وهوایی در دوره‌ی سرد سال می‌باشند.

- **سامانه‌ی موسمی شبه‌قاره‌ی هند:** این سامانه در برخی از سال‌ها، تا ۳۰ درصد بارندگی سالیانه‌ی بلوچستان را به خود اختصاص می‌دهد که در مواقعی با طغیان رودخانه‌ها نیز همراه است و زیان‌های جبران‌ناپذیری را به منازل مسکونی و تأسیسات وارد می‌کند. طوفان‌های حاره‌ای در سال‌های اخیر که شامل طوفان‌های حاره‌ای معمول، طوفان گونو (۱۳۸۶) و طوفان فُت (۱۳۸۹) می‌باشند، باعث ایجاد شرایط وزش بادهای شدید و بارش رگباری و خسارت مادی و جانی در نواحی جنوبی این منطقه شده‌اند.

- **سامانه‌ی سودانی:** سامانه‌ی سودانی، با جذب رطوبت از روی دریای سرخ و با عبور از خلیج فارس و دریای عمان، وارد سرزمین بلوچستان می‌شود و باعث بارندگی‌های نسبتاً زیادی در دوره‌ی سرد سال می‌شوند. مقدار

بارندگی‌های این توده‌ی هوایی، در جنوب این منطقه بیشتر از شمال آن است (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۲).

از جمله‌ی منابع آبی این منطقه، می‌توان موارد زیر را مورد اشاره قرار داد:

• **دریاچه‌ی فصلی جازموریان:** این دریاچه، فصلی بوده و در بعضی از فصول، به‌خصوص در زمستان، دارای آب و در تابستان‌ها، خشک می‌باشد (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۶). این دریاچه در منطقه‌ی دلگان و غربی‌ترین منطقه‌ی بلوچستان واقع شده است و بیشتر آن، در استان کرمان قرار دارد و مابین کوه‌های مکران و کوه‌های شاهسواران قرار گرفته است. این دریاچه، دارای آب شیرین بوده و دارای نیزارها و علفزارهای فراوانی است.

• **رودخانه‌ی بمپور:** یکی از رودخانه‌های دائمی و پُرآب بلوچستان می‌باشد که از ارتفاعات کارواندر در ۱۲۰ کیلومتری شمال‌شرقی ایرانشهر سرچشمه می‌گیرد. این رودخانه، بزرگترین و بابرکت‌ترین رود سرزمین بلوچستان است که به دریاچه‌ی فصلی جازموریان می‌ریزد.

• **رودخانه‌ی باهوکلالت:** از به‌هم‌پیوستن رودخانه‌های کاجو و سرباز به وجود می‌آید و پس از گذشتن از دشت‌های باهوکلالت و دشتیاری، به خلیج گواتر و دریای عمان می‌ریزد. این رودخانه، طولانی‌ترین رود در قسمت جنوب‌شرقی ایران محسوب می‌شود.

• **رودخانه‌ی سرباز:** از شاخه‌های اصلی رودخانه‌ی باهوکلالت است. طول رودخانه‌ی سرباز تا باهوکلالت ۱۷۰ کیلومتر بوده و از به‌هم‌پیوستن رودخانه‌های فرعی تشکیل می‌گردد که بزرگترین آن، رودخانه‌ی نسکند می‌باشد.

• **رودخانه‌ی کهیر:** یک رودخانه‌ی سیلابی است که از ارتفاعات تنگه‌ی سرحد، سرچشمه گرفته و نهایتاً به دریای عمان می‌ریزد.

• **رودخانه‌ی ماشکید (ماشکل):** این رودخانه، از کوه‌های جنوب‌شرقی بلوچستان، سرچشمه می‌گیرد و به سوی جنوب‌شرق روان می‌گردد و پس از

عبور از شمال بمپشت به پاکستان وارد می‌شود. شاخه‌های اصلی این رودخانه، هر یک به نحوی در آبادانی مناطق سیب‌وسوران، زابلی و سراوان نقش دارند.

• **رودخانه‌ی رابچ (فَنوج):** از ریزابه‌های متعدد موجود در ارتفاعات فنوج و بنت، سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری اراضی کشاورزی، وارد شهرستان چابهار شده و در این ناحیه، به رودهای دیگر پیوسته و سپس دریای عمان می‌گردد.

• **رودخانه‌ی تهلاب:** این رود، از ارتفاعات اطراف کوه تفتان سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری اراضی لادیز و میرجاوه، از ایران خارج و وارد پاکستان می‌شود.

با این حال، حتی در روزگاران گذشته نیز منابع آبی در ایالت وسیع مکران، بسیار اندک و محدود بود؛ تعداد رودهای این ناحیه، بسیار اندک بوده (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶، ۲۸۳) و کفاف آبیاری زمین‌های این ایالت را نمی‌داد. «جیهانی» در این باره نوشته است: «آب باران در آنجا، اندک و آب‌های روان و جوی‌ها، کم است...» (جیهانی، ۱۳۶۸، ۱۳۷). به سبب کم‌آبی ناحیه‌ی مکران، کشت و زراعت در بخش‌هایی از این منطقه، به صورت دیمی و با آب باران صورت می‌گرفت (مقدسی، ۱۳۶۱، ۳۶۵) و ساکنان آن، اغلب کوچ‌نشین بودند. به طور کلی، منابع آبی این ناحیه را می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود: چاه، قنات، چشمه و رود. امروزه، رودهای این سرزمین، اکثراً فصلی بوده و مسیل آن‌ها در بیشتر ایام سال، خشک و بی‌آب می‌باشد. این مسیل‌ها در هنگام بارش باران، ظرف چند ساعت به رودخانه‌ای بزرگ بدل می‌شوند و با قطع شدن باران، دوباره خشک می‌گردند. البته بیشتر نیاز مردم، با کندن چاه و یا آب قنات تأمین می‌شود. آب چاه‌های بلوچستان ایران، اغلب شور و دارای فسفات، سولفات، کربنات و... می‌باشد (غفرانی و شجاع قلعه‌دختر، ۱۳۹۲، ۱۴۱). بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی در این سرزمین، سابقه‌ی دیرینه داشته و تنها منبع حیات اجتماعی-اقتصادی اهالی منطقه به شمار می‌رفته است. پیشینه‌ی

استفاده از منابع آبی موردنظر، ابتدا از طریق چشمه‌ها و در مرحله‌ی بعدی با حفر و ایجاد قنوات برای مصارف شرب و کشاورزی صورت می‌گرفته است. پیشرفت و دستیابی به فناوری‌های نوین و توسعه‌ی دستگاه‌های حفاری، بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی در منطقه‌ی موردنظر را متحول و تدریجاً بهره‌گیری از سازه‌های سنتی منابع آب زیرزمینی، با حفر چاه، سهولت برداشت و قابلیت کنترل از آبخوان‌ها تغییر نموده است.



تصویر ۲. رودخانه‌ی زیبای باهوکلالت





تصویر ۳. دریاچه‌ی جازموریان در دوره‌ی پرآبی (بالا) و دوره‌ی کم‌آبی (پایین)



تصویر ۴. رودخانه‌ی همیشه پر جوش و خروش فنوج

از جمله‌ی برخی از جاذبه‌های طبیعی بلوچستان، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

• **کوه تفتان:** این کوه آتشفشان نیمه‌فعال در جنوب‌شرق ایران و در شمال‌شرقی شهرستان خاش قرار دارد که فعالیت آن، فوران دود گوگرد به همراه بخار آب می‌باشد.^۱ چشمه‌های دامنه‌ی کوه تفتان، اغلب سولفور و دارای گوگرد بودند؛ زیرا این ناحیه، سرشار از گوگرد بوده و به علت وجود همین مواد معدنی، غالباً برای بیماری‌های پوستی مانند اگزما، گال و امثال آن، استفاده می‌شود (غفرانی و شجاع قلعه‌دختر، ۱۳۹۲، ۱۴۱). کوه تفتان، ۳۹۴۱ متر از سطح دریا ارتفاع دارد (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۵) و در فصل بهار، از چشم‌اندازهای طبیعی برخوردار بوده و عاشقان طبیعت را به سوی خود فرا می‌خواند. تنوع آب‌وهوایی، پوشش گیاهی و آب فراوان ناشی از این شاهکار طبیعت، خوان گسترده‌ای است که از دیرباز تا کنون، ساکنان خویش را بهره‌مند نموده و علاوه بر این‌ها، استعداد گردشگری، تفریحی و ورزشی آن سبب شده تا همه‌ساله، جمعیت فراوانی از مردم عادی، ورزشکاران و کوهنوردان، جهت صعود به این منطقه سفر کنند.

• **درخت کهنسال روستای دهپایید:** این درخت در نزدیکی شهرستان خاش و در روستای دهپایید قرار دارد. این سرو کهنسال، ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ سال قدمت دارد و دارای تنه‌ای پهن و شاخ و برگی انبوه می‌باشد.

^۱ برخی بر این باورند که نام کوه تفتان، از واژه‌ی «تفت» به معنای گرم و سوزان گرفته شده و این باور، به دلیل خروج دود آتشفشان مرکب از بخار آب و خاک و گاز گوگرد از دهانه‌ی آن می‌باشد. کوه تفتان در اصطلاح محلی، به «چهل‌تن» معروف است و در میان بومیان منطقه، شایع است که چهل‌تن از راشدین مذهبی در این کوه ناپدید شده‌اند. قله‌ی شمالی آن نیز به همین دلیل، به نام «کوه زیارت» معروف شده و در گذشته، محل زیارت اهالی بوده است.

• **کوه آتشفشانی بزمان معروف به «کوه خضر»^۱:** این کوه آتشفشانی غیرفعال (خاموش)، در شمال چالهی جازموریان و با ارتفاع ۳۵۰۳ متر از سطح دریا قرار گرفته است که چالهی لوت را از چالهی جازموریان جدا می‌کند (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۶). این کوه، بزرگترین قلهی جنوب‌شرق کشور بعد از تفتان بوده و قطب رویش گیاهان دارویی کشور می‌باشد. طبیعت بکر و زیبا، وجود گونه‌های متعدد گیاهی، گل‌های رنگارنگ و گیاهانی با خاصیت درمانی، چشم هر بیننده‌ای را به سوی «کوه خضر» جلب می‌نماید.

• **چشمه‌ی آب‌گرم طبیعی و معدنی:** چشمه‌ی طبیعی و معدنی آب‌گرم بزمان، واقع در جنوب‌غربی بزمان و در محلی به همین نام است که دارای آثار فراوانی در درمان بیماری‌های پوستی، مفصلی و ضرب‌دیدگی می‌باشد (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۶).

• **تمساح پوزه‌کوتاه سرباز:** این جانور، باقی‌مانده‌ای از نسل کروکودیل‌هاست که مردم محلی به آن، «گاندو» می‌گویند (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۶). گاندو، بزرگترین خزنده‌ی ایران و بازمانده‌ی خزندگان مربوط به حدود ۲۶۵ میلیون سال پیش و در زمان حیات دایناسورهاست که در طول این مدت، با توجه به قدرت سازگاری منحصر به فرد، تغییرات بسیار اندکی یافته است (پورشهایی و دهمرده‌زاده، ۱۳۹۱، ۵۸۱).

• **منطقه‌ی جنگلی بیرگ زابلی:** قسمت اعظم این منطقه، در شهرستان زابلی واقع شده است. پوشش گیاهی منطقه، شامل زیتون وحشی، بادام کوهی و بنه بوده و حیواناتی نظیر سمور سنگی، خرس سیاه، قوچ، میش، گِل و بز در این منطقه زندگی می‌کنند (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۷).

• **سواحل:** شهرستان‌های چابهار و کنارک، دارای صخره‌های بسیار بزرگی هستند که در اثر پیشروی آب دریا و فرسایش سنگ‌های رسوبی، به وجود

^۱ از آنجایی که این کوه، آتشفشانی نیمه‌فعال می‌باشد؛ به کوه زنده یا کوه خضرنبی معروف شده است.

آمده‌اند (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۷). اوج زیبایی، شکوه و قدرت لایزال کردگار را می‌توان به صورت مجسم در پرده‌ی بی‌نظیر امواج این ساحل، مشاهده نمود.

• **محیط زیست دریایی:** کرانه‌های شمالی دریای عمان، شامل مرجان‌ها،

لاک‌پشت‌های دریایی، پستانداران دریایی، زیستگاه‌های جلبکی، جنگل‌های مانگرو، مناطق حفاظت‌شده و تالاب بین‌المللی می‌باشد (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۷).

• **تپه‌های مینیاتوری چابهار (تپه‌های بدلندی):** این تپه‌ها، از

دیدنی‌های حیرت‌انگیز چابهار می‌باشند که به موازات ساحل، از منطقه‌ی کچو تا نزدیک خلیج گواتر، امتداد دارند (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۷). این تپه‌ها، با ساختار و شکل ویژه‌ای که به دلیل نوع فرسایش و گونه‌ی رسوبی خاص، اشکالی شبیه به ناهمواری‌های سطح مریخ ایجاد کرده‌اند، «بدبوم» نامیده می‌شوند.

• **گل‌فشان‌ها:** گل‌فشان‌ها، معمولاً به صورت گنبدی یا مخروطی‌شکل و در

برخی جاها به صورت حوضچه‌های مملو از آب و گل مشاهده می‌شوند؛ ابعاد آنها، متفاوت است (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۷). بزرگ‌ترین و مشهورترین گل‌فشان ایران در روستای کهیر شهرستان کنارک می‌باشد که حدود ۶۵ متر از سطح دریا، ارتفاع دارد.



تصویر ۵. کوه تفتان، زیبای خفته‌ی سیستان و بلوچستان



تصویر ۶. سرو کهنسال روستای دهپابید



تصویر ۷. کوه بزمان، جوان‌ترین کوه آتشفشانی ایران



تصویر ۸. تپه‌های گل‌فشان چابهار



تصویر ۹. تپه‌های مینیاتوری یا تپه‌های مریخی؛ جاده‌ی کنارک به زراآباد



تصویر ۱۰. محیط‌زیست دریایی سواحل مکران



تصویر ۱۱. پهنه‌های جنگلی بلوچستان ایران

جغرافیای تاریخی

سرزمین بلوچستان، دارای قدمتی کهن می‌باشد و نام قدیمی این منطقه، به شکل‌های گوناگون اما نزدیک به هم و با تفسیرهای متفاوت، در کتیبه‌های باستانی و منابع تاریخی آمده است (غفرانی و شجاع قلعه‌دختر، ۱۳۹۲، ۱۳۵). این سرزمین در طول تاریخ، به اسامی متعدد از جمله «مِکران» یا «توران» و در کتیبه‌های بیستون و تخت جمشید به نام‌های «ماکا» یا «مکه» و در زمان ساسانیان، «کوسون» نام‌گذاری شده است. در «معجم‌البلدان»، چنین آمده است که یونانیان، مردم این ناحیه را ایرانی می‌نامیدند و از این منطقه با نام‌های «میکیان» یا «مکران» یاد شده است^۱ (اشرفی‌پویا، ۱۴۰۰ الف، ۱۵۸). همچنین، این ناحیه، به عنوان چهاردهمین ساتراپی (ایالت) امپراتوری هخامنشیان محسوب می‌شده است (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۷، ۲۰۹). در کتیبه‌های دوره‌ی ساسانی نیز از ایالتی به نام «مکوران» یا «مکران» در مرزهای جنوب‌شرقی

^۱ جهانگردان اروپایی قرون بعد نیز نام‌های مشابهی را برای این سرزمین اختیار می‌کردند. به عنوان مثال، «مارکوپولو» که در اواخر قرن سیزدهم میلادی در هنگام مراجعت از چین، از حدود مکران عبور کرده، نام آنجا را «کس مکوران» ثبت و ضبط نموده است (رومانو، ۱۳۶۳، ۲۱۴).

ایران، یاد شده است (فرای، ۱۳۸۸، ۳۴۴) که بی‌شک همان «ماکا» یا «میکیان» دوره‌ی هخامنشیان می‌باشد که به تدریج به «مکوران» و «مکران» تبدیل شده است. در کتاب «کارنامه‌ی اردشیر بابکان» نیز، نام این ناحیه به شکل‌های «مکرستان»، «موکرستان» یا «مکران» آمده است.

بنابراین، به احتمال قوی جایگزینی عنوان مکران به جای ماکا، در همان ایام باستانی اتفاق افتاده بود و بدین سبب، هنگامی که اعراب مسلمان در سده‌ی اول هجری به این سرزمین دست یافتند، آنجا را با نام مکران می‌شناختند (غفرانی و شجاع قلعه‌دختر، ۱۳۹۲، ۱۳۶). البته عده‌ای از محققان و پژوهشگران، نام مکران را کاملاً ایرانی و اختیار کردن چنین عنوانی برای این ناحیه را مربوط به سده‌های بعدی می‌دانند. آنان، واژه‌ی «مکران» را مرکب از دو واژه‌ی ماه + کران یا کرمان دانسته و چنین آورده‌اند که: «ایرانیان، هر محلی که پر نعمت و آباد بود و کشت و زرع در آنجا رونق داشت را ماه آن منطقه می‌شمردند؛ زیرا معتقد بودند که ماه، بر روی کشت و زرع و آب‌های زمین تأثیر می‌گذارد...». به عنوان مثال، سرزمین جنوب غرب چین را «ماه چین» (ماچین) و سرزمین جنوب شرق کرمان را «ماه کرمان» (مکران) می‌نامیدند. «سرپرسی سایکس»، بر آن است که مکران، از دو واژه‌ی مکه + ارینه یا ایرینه (در زبان سانسکریت، به معنای باتلاق است)، ترکیب یافته و به معنی سرزمین باتلاق‌ها یا تالاب‌ها می‌باشد (سایکس، ۱۳۳۶، ۱۲۲).

تعداد بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران معتقدند که قدمت زندگی اجتماعی در این ناحیه، به بیش از سه هزار سال پیش باز می‌گردد (اشرفی پویا، ۱۴۰۰ الف، ۱۵۸) و برخی دیگر، سابقه‌ی تمدن اجتماعی در این ناحیه را بنا به شواهد تاریخی و نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی، تا ده هزار سال تخمین زده‌اند. این ناحیه در گذشته، به دلیل ویژگی‌های طبیعی، خاک حاصلخیز و آب فراوان در برخی از مناطق در مقایسه با دیگر سرزمین‌های پیرامون، به عنوان یکی از کانون‌های بزرگ فرهنگ، تاریخ و مرکز تجمع انسانی، از مدنیت والایی در دوره‌ی باستانی برخوردار بوده است که هریک از آنها، میراث‌دار تعداد زیادی از

تمدن‌های کهن ایران زمین می‌باشد (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۷۲). عمده‌ترین شهرهای دیار مکران که در بیشتر متون جغرافیایی کهن، از آنها نام برده شده، عبارتند از: «فنزبور» (پنجبور، قیربون)، «بندر تیز» (طیس)، «بمپور» (بربور)، «قصرقند»، «کیز» (کیج)، «درک» (دزک)، «راسک»، «اصفقه»، «به» (گه)، «بند»، «فهل‌فهره» (فهرج)، «مشکی»، «قنبلی»، «ارمابیل» و «خوش» (خاش) (غفرانی و شجاع قلعه‌دختر، ۱۳۹۲، ۱۳۸). قدمت برخی از آثار به دست آمده از ناحیه‌ی مکران و سرحد بلوچستان، به سه‌هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد. کهن‌ترین محوطه‌ی باستانی شناخته‌شده‌ی منطقه‌ی بلوچستان، مربوط به «تپه‌ی چاه‌حسینی» است که تپه‌ی نسبتاً کوچکی مربوط به نیمه‌ی هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد (در شمال رودخانه‌ی بمپور در ۴۵ کیلومتری غرب بمپور) می‌باشد. از این تپه، آثار سفال‌های ظریف منقوش قرمزرنج به دست آمده که مربوط به دوران فلز می‌باشد. همچنین، در منطقه‌ی باستانی خوراب بمپور، آثار سفالی، کاسه‌های فلزی، تبر فلزی و ظروف مرمرین، کشف شده‌اند. در تپه‌ی دامین که در ۱۵ کیلومتری ایرانشهر و در کنار رود «کارواندر» واقع شده نیز تعداد زیادی ظروف سفالین و ابزارهای مفرغی به دست آمده است. علاوه بر این، در تراس‌های رودخانه‌های «لادیز» و «ماشکید»، تعدادی ابزار و اشیای مربوط به دوره‌ی پارینه‌سنگی از جمله ساتورهای یک‌لبه و دولبه‌ی پخ‌دار، پیدا شده‌اند (میر و همکاران، ۱۳۹۷، ۷۳).

در بخش‌هایی از این سرزمین، اسلام توسط مسلمانان در دوره‌های مختلف گسترش یافت؛ اما در نهایت، در سال ۳۹ هجری قمری و به فرمان علی‌بن‌ابی‌طالب (علیه‌السلام)، فتح بلوچستان کامل شد و عده‌ای از مردم آنجا، از جمله مردم طیس (تیس)، اسلام را پذیرفتند (اشرفی‌پویا، ۱۴۰۰، ۱۶۰) و از طریق همین سرزمین، اولین حملات مسلمانان به مرزهای هندوستان صورت پذیرفت. ایالت مکران، به سبب مجاورت با مرزهای شبه‌قاره‌ی هند از یک طرف و دریای عمان از طرف دیگر، از جنبه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و دینی، در تاریخ دوره‌ی اسلامی اهمیت داشت. گروه‌های شورشی و خوارج که از

خراسان، سیستان، عمان و مناطق جنوبی خلیج فارس رانده می‌شدند، به سرزمین مکران پناه می‌بردند. در واقع، دوری مکران از مراکز قدرت و خلافت بود که سبب می‌شد تا مخالفان حکومت‌ها، از جمله اقلیت‌های فرقه‌ای همچون خوارج و اسماعیلیان، همواره به این سرزمین مهاجرت نموده و یا از آنجا، به عنوان گذرگاهی برای رفتن به مقصدهای خود مانند سند، هند و یا عمان، استفاده می‌نمودند. همچنین، بخشی از کاروان‌های تجاری هندوستان به سمت ایران و عراق، از این دیار می‌گذشتند. علاوه بر این، مواد و منابع معدنی و محصولات کشاورزی خاصی مانند پانید^۱، خرما، نیشکر و قند، در این سرزمین به عمل می‌آمد که در اقتصاد شرق مملکت اسلامی تأثیرگذار بود (غفرانی و شجاع قلعه‌دختر، ۱۳۹۲، ۱۳۴). تا پیش از قرن چهارم هجری، مکران در دست قوم «جت» (زط) بود که قومی آریایی بودند و از دوره‌ی پیش از اسلام در بنادر خلیج فارس و دریای عمان (دریای مکران) می‌زیستند. این قوم به دلایل نامعلومی از ایران به طرف غرب آسیا و اروپا مهاجرت کردند و پس از آنها، طوایف دیگری از جمله قوم بلوچ که از اقوام آریایی هستند، در قرن چهارم به مکران کوچ کرده‌اند (اشرفی‌پویا، ۱۴۰۰ الف، ۱۶۱). این منطقه، امروزه جایگاه قوم «بلوچ» می‌باشد و بلوچستان، نامی برگرفته از قبایل بلوچ ساکن در این منطقه است (کاظمی، ۱۳۸۰، ۲۱۷).

^۱ شکری به رنگ‌های سرخ، زرد یا سفید که مصرف پزشکی نیز داشته است.